

قاضی ضیاء‌الدین نورالله بن سید شریف‌الدین (یاسید شرف‌الدین) بن سید ضیاء‌الدین نورالله بن سید شمس‌الدین محمد شاه (صاحب مزار در شوشتر) ابن مبارز‌الدین منده بن جمال‌الدین حسین بن امیرنجم‌الدین محمود^(۱) مرعشی حسینی شوشتری، معروف به «امیرسید» و «شهید ثالث» که به سال ۹۵۶ ه‍.ق در شوشترزاده شد و به سال ۱۰۱۹ ه‍.ق در «لاهور» بر اثر سعایت مخالفان مکتب اهل‌البيت (علیهم‌السلام) به درجه رفیعه شهادت نائل آمد. نَسَبِ این عالم بزرگوار با بیست و یک واسطه به سید علی مرعشی، و با بیست و شش واسطه به حضرت امام سجاد زین‌العابدین علی بن‌الحسین (علیهما السلام) می‌رسد. مؤلف «أمل الامل» درباره شخصیت علمی و معنوی این دانشمند فرزانه و مروج نستوه علوم آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) می‌نویسد: «أحد أركان الدهر و أمراء الزمان، العالم العلم العلامة، المتكلم الفريد، والمناظر الوحيد، والمجاهد السعيد، بحر العلوم و مخرس الخصوم، متبحر في كل العلوم، و مصنف في سایر الفنون، حسن التقرير، جيد التحرير، نقي الكلام، محقق مدقق طويل الباع، واسع الاطلاع؛ من بيت شرف علم و ریاسة، و فضل و سياسة، له آباء علمهء حکماء علماء قُدوه» «یکی از ارکان و استوانه‌های روزگار و یگانه‌های دوران، دانشمند شاخص و برجسته پرمایه در علم، متکلم و سخنور یکه‌تاز در کلام و عقائد و مبارز بی‌همتا، دریایی از علوم و دانشها و کارآمد در اسکات و چیرگی بر مخالفان، و دارای اطلاعات گسترده در همه علوم. و نگارشگری مبتکر در انواع فنون، خوش بیان، زیبانگر، پاکیزه‌گوی، پژوهشگر باریک‌نگر چیره‌دست، برگستره در اطلاع و آگاهی. از خاندان شرف و علم و ریاست، و فضل و سیاست و کارسازی. دارای نیاکانی دانشمند و فرزانه که

گزراش از تالیفات کتاب احقاق الحق و موافقان

حجة الاسلام والمسلمین محمد باقر حجتی

نیم‌بلدغه
ج ۱۰

شماره اول ۱۰۴

پژوهشگاه علوم انسانی
پرتال جامع علوم

سرانی در خور اقتدار بوده‌اند. قاضی نورالله شوشتری از میهن و زادگاه خود «شوشتر» در دوران جوانی برای ادامه تحصیل علم به سوی مشهد مقدس رضوی (علی ساکنها آلف التحیه و الثناء) طلیعه رحله علمی خود را آغاز کرده و وقتی به مقصود و مراد خود در علم و دانش دست یافت در زمان حکومت «اکبر شاه» از مشهد آهنگ دیار هند کرد، و در حالیکه خود را در زیر نقاب مکتب شافعی پنهان می‌داشت و با اعتقادی راسخ به مذهب امامیه، خود را با چهره شافعی وانمود می‌کرد شهرتی شگرف در فضل و دانش در هند به هم رساند،

وصیت ناموری او در علوم، سرزمین هند را فرا گرفت و مسلمین این دیار پهناور به دیدارش می‌شتافتند؛ چراکه او با توجه به دوران حکومت در سرزمین ایران از اعظام علماء عهد صفویه، و فقیه و اصولی و محدث و رجالی، و ادیب، و ریاضی دان، و متکلم جدلی و شاعری ماهر بود. از آنجا که اکبر شاه هندی از پایگاه والای علمی او اطلاع یافت، منصب قضا را به وی واگذار کرد. قاضی نورالله پذیرش تصدی قضا در «لاهور» را به طور مشروط اعلام کرد و گفت باین شرط این منصب را قبول می‌کنم که طبق اجتهاد و استنباط خود از مذاهب چهارگانه فتوی دهم، و ضمن آنکه به امر قضا می‌پرداخت به هیچ رواج امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغات و ارشادات دینی باز نمی‌ایستاد؛ بلکه با کوشش و تلاشی خستگی‌ناپذیر بدین مهم قیام می‌کرد، و در محیط پیرامون خود چون مشعلی نورافشانی می‌کرد و به بیراهه رفتگان را به راه می‌آورد، و آنانرا از لغزندگی در مسیر انحراف آفرین، به طریق هدایت رهنمون می‌گشت. باری چنانکه تاریخ گواه است اکبر شاه به این شرط قاضی نورالله (نورالله مضجعه الشریف) گردن نهاد، و چون

قاضی نورالله از اطلاعات گسترده و عمیق در فقه مذاهب اربعه برخوردار بود در فتوی بر طبق این مذاهب موفق بوده و مهارت و کارآیی او در این امر از هرگونه سؤطنی پیشگیری می‌کرد. اکبر شاه نیز متقابلاً او را موظف ساخت بیرون از این مذاهب چهارگانه فتوایی صادر نکند. سالها قاضی نورالله (رضوان الله تعالی علیه) بدین منوال امر قضا و فتوای خود را بر گزار می‌کرد و فتوای او بر طبق مذاهب اربعه همواره با چاشنی مذهب جعفری عجین بود اگر چه به ظاهر لعاب فتاوی مذاهب اربعه، تعلیم و احکام مذهب امامیه را رنگ آمیزی می‌کرد، و قاضی نورالله با کاردانی و مهارت شگرفی در این امر کامیاب بود، و در واقع مروج مذهب و فتاوی امامیه به شمار می‌رفت. سرانجام، جلال‌الدین اکبر شاه هندی «پورهمایونشاه» (۹۴۹-۱۰۱۴هـ.ق) که از سال ۹۶۳ تا ۱۰۱۴هـ.ق بر هند سلطنت می‌کرد با پایان یافتن عمرش سلطنتش منقضی شد (۲)، نورالدین جهانگیر شاه نوسی فرزند اکبر شاه به جای او بر اریکه شاهی تکیه زد، و حکومت هند را به دست گرفت. جهانگیر شاه را نواصب اهل سنت (به سان سپاه صحابه معاصر) برضد قاضی نورالله می‌شوراندند و به او هشدار می‌دادند که قاضی نورالله صرفاً بر طبق مذهب جعفری به امر قضا می‌پردازد و قضا و داوری خود را هماهنگ با یکی از مذاهب اربعه وانمود می‌سازد. جهانگیر در آغاز امر، سعایت آنها را نمی‌پذیرفت و سخنان آنانرا باور نمی‌کرد و می‌گفت: این کار حاکی از تشیع قاضی نیست؛ چراکه او با پدرم پیمان نهاد که مطابق اجتهاد و استنباط خود قضا کند و فراتر و بیرون از مذاهب چهارگانه اهل سنت در امر قضا، فتوایی صادر نکند.

أحقاق الحق و آذاق الباطل قاضی نورالله شوشتری (۹۵۶-۱۰۱۹هـ.ق) تألیف: آخر ۱۰۱۴/۲۴هـ.ق مرحوم

علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶هـ.ق) کتاب «نهج الحق و کشف الصدق» را در هشت باب نگاشته و طی آن حقیقت مذهب تشیع را اثبات نموده و بر اهل سنت خرده گرفته و آیین آنان را مردود ساخته است. پاشا قاضی فضل بن روزبهان بن فضل الله خنجی شیرازی اصفهانی سنی اشعری حنفی - که معاصر پاشاه اسماعیل اول صفوی بود - پس از آنکه از اصفهان به کاشان کوچید در رد کتاب «نهج الحق و کشف الصدق» کتابی به نام «ابطال نهج الباطل» تألیف کرد، و آنرا طی دو ماه ۱۴۱۱ و ۱۴۱۲ هـ.ق به پایان برد، همه کتاب «نهج الحق...» مرحوم علامه حلی (قدس سره) - جز دیباچه آنرا - در آن آورد، و در رد آن مطالبی نگاشت. مرحوم قاضی نورالله شوشتری مرعشی (۹۵۶-۱۰۱۹هـ.ق) کتاب ارزشمند «احقاق الحق و ازهاق الباطل» را به منظور رد اراجیف کتاب «ابطال نهج الباطل» فضل بن روزبهان تألیف فرمود. و چنانکه در ترجمه احوال مرحوم قاضی نورالله دیدیم این دانشمند بزرگوار به خاطر تألیف این کتاب و نیز کتاب «مجالس المؤمنین» بود که به فرمان نورالدین محمد جهانگیر، شاه مغولی هند (۱۰۱۴-۱۰۳۷هـ.ق) با ضربه های تازیانه خاردار، آنجناب را به شهادت رساندند و در «آگره» هند ایشان را به خاک سپردند. مرحوم قاضی نورالله النجف شوشتری، تألیف کتاب «مجالس المؤمنین» را در اول رجب ۹۹۸هـ.ق در «لاهور» آغاز کرده، و در پنجمین رجب ۱۰۱۰هـ.ق به انجام رسانده است، کتاب «احقاق الحق» در هفت ماه تألیف کرده، و در آخر ۱۴/۱۰۱۴هـ.ق به پایان برده است. روش مرحوم قاضی نورالله در تدوین کتاب «احقاق الحق» بدینسان است که نخست گفتار مرحوم علامه حلی را به تعبیر «قال المنصف» یاد کرده، و گفته ی فضل بن روزبهان را با تعبیر «قال الناصب» در آن آورده، و در مقام تأیید

گفته های مصنف (علامه حلی) حقایق را ارائه فرموده است. خود قاضی نورالله، مدت تألیف کتاب «احقاق الحق و ازهاق الباطل» را چنین یاد می کند: «و قد اتفق نظم هذه اللئالی التي و شحت بها غوانی (لی) المعانی سبعة أشهر من غیر اللبالی...» قبل از پایان بردن معرف کتاب «احقاق الحق» سزااست یادآور شویم مرحوم قاضی نورالله در دیباچه کتاب «احقاق الحق» یادآور می شود: «دبیران کاتب قزوینی، قطب الدین شیرازی، احمد بن محمد کیشی، رکن الدین موصلی مشید، و مولی نظام الدین عبدالملک مروزی با مرحوم علامه حلی به گفتگو نشستند، نیز می نویسند سلطان محمد خدابنده اولجایتو - پس از گفتگوی پسر صدر جهان بخاری حنفی با مولی نظام الدین عبدالملک مراغی شافعی - مذهب شافعی را پذیرا گشت؛ اما پس از گفتگویی که میان علامه حلی با دانشمندان سنی انجام گرفت و کتاب گرانقدر «نهج الحق و کشف الصدق» را تألیف کرد، سلطان محمد خدابنده همراه با امیران و سپاهیان و بزرگان و علما به مذهب شیعی روی آوردند و این مذهب را آیین خود قرار دادند» و مرحوم قاضی نورالله در دفاع از کتاب علامه حلی، کتاب «احقاق الحق» را تألیف کرد. کتاب احقاق الحق را که به عربی نگارش یافته بود چند تن به زبان فارسی برگرداندند، از آن جمله: نصیرالدین حسین بن عبدالوهاب بهبهانی به درخواست میرزا سعدالدین محمد، وزیر معاصر شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵هـ.ق) که آنرا «ایضاح احقاق الحق و ازهاق الباطل» نامید، وی در این ترجمه، متن را در آغاز آورده، و آنگاه آنرا به زبان فارسی برگردانده، و ترجمه مذکور به صورت ترجمه لفظی و حرفی صورت پذیرفته است. آغاز (ترجمه فارسی). بسمله، سعد اکبر دولت از برج

اقبال سعادت مندی طالع است که ولای والای اهل بیت نبوت (علیهم السلام) را اعظم نعمای الهی دانسته، شکرگزاری این موهبت عظمی را سرمایه ایمان و گوهر مراد ایمان داند. انجام (ترجمه)... پس از ماهم پیش از این رد نموده ایم، پس به یاد بیاور. تمام شد... جمله اول از ترجمه احقاق الحق، پس اینک شروع... در جلد ثانی می نمایم، والحمد لله رب العالمین... والصلوة والسلام علی سیدنا محمد و آله أجمعین. نسخه ای از این ترجمه به شماره ۳۲۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است که فقط مجلد اول ترجمه یاد شده می باشد و دارای ۱۷۷ برگ ۲۲ تا ۳۰ سطری است.



مرحوم میرزا محمد نایینی (م ۱۳۰۵ هـ ق) نیز کتاب «احقاق الحق را به فارسی ترجمه کرده و مطالبی را ضمن ترجمه افزوده و یا از آن کاسته است. آغاز (احقاق الحق) بسمله، الحمد لله الذی جعل مقام شیعه الحق علیاً، و صیرهم مع نبیه ابراهیم فی ذلک الاسم سمیاً... انجام:... قد اتفق نظم هذه اللثالی التي وشحت بها غواني المعاني سبعة أشهر من غير اللیالی... و تحول البدن كالشئ البالی، و كان آخرها، آخر ربيع الأول فی ملك شهور سنة ألف و أزرع عشره فی بلد اكره... و سمننا علی جائره الأشاعره القاصرین، و الناصبه الفاجرة

الخاسرین، فانتمنا عن الدین أجرمو و كان حقا علينا نصر المؤمنین، واللہ الناصر والمعین. برای آگاهی گسترده تر درباره قاضی نورالله و کتاب «احقاق الحق» بنگرید به:

روضات الجنات ۱۵۹۷۸ به بعد.
 أعيان الشيعة ط ایران ۲۲۸۷۱۰-۲۳۰.
 فیض الاله فی ترجمه قاضی نورالله، از محدث.
 ریخانه الأدب ۳۸۴/۴-۳۸۷. أمل الاصل ۳۳۶/۲
 الذریعه ۲۹۰/۱ و ۷۵/۴
 هدیه العارفين ۴۹۹/۲
 الأعلام ذرکلی ۵۲/۸
 ایضاح المکنون ۳۴/۱

فیض الاله فی ترجمه قاضی نورالله
 معجم المؤلفین ۱۲۲/۱۳
 مصفی المقال ۴۸۵، ۴۸۶
 الفوائد الرضویه ۱۹۶-۱۹۸
 فهرست آستان قدس رضوی ۱۲/۴، ۱۳
 فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۵۴۶/۳،
 ۵۴۲، ۶۰۸، ۶۰۷، ۵۷۶.

Malignain:Emeyelaperiel, Islam Iv:+OBracketmann.s, I

نسخه ها:

وزیری - یزد (۱۴۸۹) نسخ، پایان ۱۰۱۴/۱۴ هـ ق، احتمالاً فهرست نویس تاریخ تألیف را با تاریخ تحریر کتاب نسخه اشتباه کرده است. اگر درست باشد نسخه خط مؤلف خواهد بود، اهدائی حاج حسین تراب یزدی، ۲۹۰ گ، ۳۴ سطری (ف: وزیری ۹۷۲/۳) محمود فرهاد معتمد - تهران (۱۰۳) نستعلیق سید جیون ابن سید بابیزد حسینی در ۱۰۵۶ هـ ق. نسخه دارای حواشی است و در رجب ۱۱۳۹ هـ ق از ان احمد بن معصوم حسینی بوده، آنگاه در عج ۱۲۹۳ هـ ق به تملک فرهاد میرزا در آمده است (نشریه ۱۴۴/۳) سپه - تهران (۱۲۵۷) نسخ سید محمد صالح بن حسین قمی صفوی موسوی در دوشنبه ۱۵ ح ۱۰۷۷/۱ هـ ق، فهرست کتاب در آغاز نسخه آمده و

نسخه جدید

شماره اول ۱۰۷

تصحیح شد، و نشانه‌های بلاغ را دارد. ۴۱۹ گ ۳۱ و ۳۳ سطری (ف: سپه ۵۹۳)

الهیات - تهران (۳۰ ج) نسخ محمد حسین ابن حاجی نصرالله تبریزی در ۲۵ رجب ۱۰۸۴ هـ ق در مدرسه نواب آقا شاپور اصفهانی، نسخه توسط ابوالحسن بن عبدالله بن اسماعیل خلخالی در ۱۰۸۴ هـ ق مقابله شده، این نسخه مجلد اول است، ۲۴۱ گ، ۲۱ سطری (ف: الهیات ۴۴۶)

سپه - تهران (۱۲۵۹) نسخ علی بن احمد منصوری، جمعه ۱۸ صفر ۱۰۸۵ هـ ق، نسخه در پایان به اندازه ۳۲۰ بیت افتادگی دارد. مقابله شده و دارای نشان «بلاغ» است، آراسته، با یادداشت تملک محمد علی ابن حاج میرزا رشتی، مورخ ۱۲۰۲ هـ ق ۴۷۴ گ، ۳۲ سطری

آیت لله العظمی حکیم - نجف (۱۸ حج ۲۱) نوشته ۱۰۸۷ هـ ق (نشریه ۴۲۲/۵)

الهیات - تهران (۳۳ - آل آقا) نسخ محمد بن میر عباس حسینی مازندرانی در اواخر روز شنبه ۴ محرم ۱۰۸۸ هـ ق، در برگ ۷۲، سرگذشت مؤلف آمده است، با یادداشت تملک ابوتراب بن محمد علی موسوی حسینی با تاریخ ۱۱۶۵ هـ ق، ۳۱ سطری. ف: الهیات ۸/ (۷۴۷)

مرعشی - قم (۲۱۶۹) نستعلیق محمد علی در دوشنبه ۲۵ رجب ۱۰۹۲ هـ ق نسخه تصحیح شده، با یادداشت تملک سید محمد قزوینی، و محمد حسین بن نورالدین بن نعمت الله موسوی حسینی جزائری شوشتری با تاریخ شعبان

۱۱۵۰ هـ ق، و محمد سعید هروی با تاریخ ۱۱۴۰ هـ ق، ۴۲۳ گ، ۳۱ سطری (ف: مرعشی ۱۷۳/۶)

مذهبی، سلطنتی - تهران (۱۲۳۵ - ردیف: ۶) نسخ محمد محسن خاتون آبادی در ۲۰ شوال

۱۰۹۳ هـ ق معانی پر است از لغات مشکل در حاشیه به خط نسخ، یا نستعلیق، یا شکسته نستعلیق گزارش شده و مهر ناصرالدین شاه در پیشانی صفحه اول آن

بیان می شود و مهر مشیر السلطنه، حسین بن هدایت الله، و محمدرضا الحسینی، آراسته ۹۹۴ ص، ۲۷ سری (ف: مذهبی سلطنتی ۱۲، ۱۱)

مذهبی، سلطنتی - تهران (۱۳۵۴ - ردیف ۷) نسخ ۱۰۹۹ هـ ق، با مهر ناصرالدین شاه، مشیر السلطنه، حسن بن هدایت الله، محمدرضا الحسینی، و توضیحات لغات مشکل در حواشی، ۱۰۵۰ ص، ۲۵ سطری (ف: مذهبی سلطنتی ۱۴، ۱۳)

حجتیه - قم (۴۵۲) نسخ سده ۱۱ هـ ق (ف: حجتیه، ۳۳)

سپه - تهران (۱۲۵۸) نسخ سده ۱۱ هـ ق، خط و مهر فرهاد میرزا به سال ۱۲۵۶ هـ ق و یادداشت تملک اعتضاد السلطنه، مورخ ۱۲۹۶ هـ ق، و سپهسالار، مورخ ۱۲۹۷ هـ ق در صفحه اول آن آمده است، ۴۴۲ گ، ۳۳ سطری (ف: سپه ۵۹۳)

سپه - تهران (۶۳۰۱) نسخ سده ۱۱ هـ ق، نسخه از آغاز تافصل ششم «معاد» و... و پایان آن افتاده است، ۳۸۰ گ، ۲۴ و ۲۵ سطری (ف: سپه ۵۹۳)

گوهرشاد - مشهد (۱۱۶) نسخ سده ۱۱ هـ ق، نسخه مقابله و تصحیح شده، و از برگ ۵۳۱ تا پایان به خط نستعلیق نونویسی شده است، دارای حواشی با نشانه‌های «منه رحمه الله، نورالله مرقده»، «نهایه»، «صراح»، و «قاموس»، ۵۷۷ گ، ۲۱ سطری (ف: گوهرشاد، ۹۷۱، ۹۹. و چهار کتابخانه مشهد ۲۰۸۱) ملک - تهران (۱۳۳۲) نسخ سده ۱۱ هـ ق، ۳۵۱ گ، ۳۰ سطری (ف: ملک ۱۷۱)

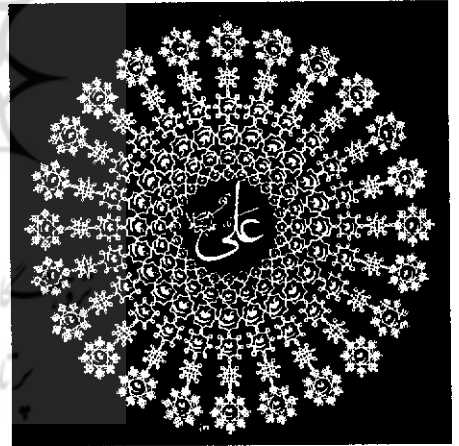
ملک - تهران (۲۱۸۸) نسخ سده ۱۱ هـ ق، انجام نسخه در مبحث «معاد» افتاده، ۳۳۳ گ، ۲۷ سطری (ف: ملک ۱۷۱) ۵ غرب - همدان (۱۱۵۳۳ - ردیف ۲۰۸) نسخ شیرازی در ۱۱۰۳ هـ ق (ف: غرب، ص ۵۶)

چهل ستون - تهران (۳۹) نسخ ۱۱۱۵ هـ ق، دارای حواشی منقول از مؤلف، نسخه از کتب موقوفه عبدالنبی بن محمدرضا رازی. مشهور به «قاضی» با تاریخ ۱۲۷۰ هـ ق (آشنایی با چند نسخه خطی «مسجد

جامع» دفتر اول، ص ۳۱۱)

زنجانی (...). - قم (۷) نسخ محمد زکی بن محمد سلیم بازرحیاتی در دوشنبه ۲۷ ح ۱۲۹۱ هـ ق حسب الامر «ملازمان عالی حضرت، فضیلت و... پناه» مولانا محمد جعفر گیلانی ساکن مدرسه ملا عبدالله، نسخه مجلد سوم است. منقولاتی از قاموس «و جز آن حواشی آمده، این نسخه مقابله شده و دارای نشانه «بلاغ» مورخ یکشنبه ۱۰ ح ۱۳۱۷/۲ هـ ق، در پایان (آشنایی با چند نسخه خطی «دنباله» دفتر اول، ص ۱۹۱)

الهیات - مشهد (۱۳۹۱ - ثبت: ۲۱۶۶۹) نسخ؟ با مهر مورخ ۱۱۴۸ هـ ق، برگ اول نسخه صحافی و کسرنویسی شده، و در تیریز به مبلغ هشت هزار دینار تبریزی خریداری شده، دارای حواشی منقول از



مؤلف (ف: الهیات مشهد ۵۴۰/۲)

ملک - تهران (۳۰۴۳) نسخ سده ۱۲ هـ ق، آراسته، ۵۰۴ گ، ۳۱ سطری (ف: ملک)
ملی - تهران (۹۶۱۱ - ۹۱۳/۱۶۵۱) نسخ محتملاً در سده ۱۲ هـ ق، این نسخه از آن محمد، معروف به «فاضل هندی» بوده و آنگاه در اختیار همسرش قرار گرفته است، ۷۹۹۷ گ (ف: ملی ۹۳/۸)
الهیات - تهران (۱۶۶) - ثبت: ۱۳۲۷۴) نسخ سده ۱۲ یا ۱۳ هـ ق، ۶۳۷ گ، ۲۵ سطری (ف: الهیات)

(۴۴۶/۱)

ملک - تهران (۱۹۵۰) نسخ عبدالله بن محمد مشهدی در رجب ۱۲۳۷ هـ ق به دستور میرزا هدایت‌الله بن شهید ثالث، آراسته، ۵۳۷ گ، ۲۷ سطری (ف: ملک ۸/۱۸)

سپه - تهران (۱۲۶۰) نستعلیق عزیزالله میرزا اسماعیل رودکی خرقانی افشار در اول شعبان ۱۲۶۳ هـ ق برای خودش (بها نسخه ۲۰ قران = دو تومان) نسخه مجلد اول و ناقص است و تا استدلال بر وقوع کبائر از انبیا و اولیاء، و جلد دوم که در «امامت» است و آن نیامده است، ۱۷۲ گ، ۲۱ سطری (ف: سپه ۵/۷۳)

سپه - تهران (۱۲۶۱) نستعلیق عزیزالله ابن میرزا اسماعیل رودکی خرقانی افشار در ۱۷ ح ۱۲۶۳ هـ ق، نسخه جلد دوم از اصول فقه تا پایان کتاب است، ۲۰۵ گ، ۲۴ سطری (ف: سپه ۵/۷۳)

سپه - تهران (۶۳۰۳) نستعلیق عزیزالله ابن میرزا اسماعیل رودکی خرقانی افشار در شوال ۱۲۶۳ هـ ق، نسخه مجلد سوم: امامت تا پایان کتاب را دارد، ۲۶۹ گ، ۲۳ سطری (ف: سپه ۵/۷۳)

غرب - همدان (۳۲۸ - ردیف: ۲۰۷) نسخ آغاز و انجام نسخه افتاده (ف: غرب، ص ۵۵)

قدس رضوی - مشهد (۳۰۸-۲۲۳) نسخ وقفی نایینی، ۴۴۱ گ، ۳۳ سطری (ف: قدس رضوی

۱۲/۴) ۵ مجلس - تهران (۱۳۶۱ - دفتر: ۱۲۰۸۱) نستعلیق، ۹۰۸ ص، ۲۸ سطری (ف: مجلس ۱۲۲/۴)

مرعشی - قم (۱۲۲۱) نسخ، ۶۷۱ گ، ۲۳ سطری، ممکن است نسخه‌ای کهن باشد (ف: مرعشی

۱۶/۴) ۱۰ وی که از خاندان مرعشی آمل بود نخستین کسی است که آمل را به قصد شوشتر ترک گفته و بدانجا کوچید. ۲۰ اکبر شاه از تیموریان هند و به یاری ابوالفضل، صدراعظم خود کشور هند را توسعه و سامان داد، وی به زبان فارسی دلبستگی شدید داشته و دستور داد همه کتابهای دینی و ادبی کهن هند به فارسی برگردان شوند.

نسخ‌نویسی

شماره اول ۱۰۹